

Political Imagination and the Iranian Woman in the Contemporary World

Mehdi Fatehi Nia

Associate Professor, Department of Pure Mathematics, Faculty of Mathematical Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran.

fatehiniam@yazd.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /05 / 02 Revised: 2024 /05 / 20 Accepted: 2024 /06 / 07 Published Online: 2024 /07 / 21	Imaginations, by shaping people's mentalities, cultures, and social worlds, lay the groundwork for social movements. Al-Farabi considered «politics» as requiring engagement with the general public—where imagination replaces rational thought—and believed it necessitates creating a kind of internal acceptance in their hearts, achievable only through imaginative tools. In the contemporary world, media plays a significant role in shaping individual and collective imagination, and political and social actors use this tool extensively to influence public minds. One of the major socio-political challenges in Iran over the past century has been women's rights and the issue of hijab, in which media also plays a significant role. This raises the question: what is the relationship between women's rights in Iran and political imagination? Assuming that women's rights constitute a social field, the study first explains the concept of political imagination within Islamic philosophy and also Kant's philosophy. Then, using Bourdieu's theory and the Van Dijk discourse analysis method, it examines the issue of hijab as a social field to identify the relationship between objective reality and the mental constructs of actors surrounding the hijab issue. The findings show that the objective realities and social changes regarding women's rights and hijab have been influenced by the mindset and political imagination of both the social actors and the general public. Keywords: Political imagination, Iranian woman, Bourdieu's theory, Media, Gender system, Mentality.



دوره ۱۱ | شماره ۴۰ | تابستان ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.499927.1392>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

تخیل سیاسی و زن ایرانی در دنیای معاصر

مهدی فاتحی نیا

دانشیار گروه ریاضی محض، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

fatehiniam@yazd.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	تخیلات با شکل‌دهی ذهنیت، فرهنگ و جهان اجتماعی مردم، زمینه‌ساز جریان‌های اجتماعی هستند. فارابی «سیاست» را مستلزم ارتباط با عامه مردم – که در آن‌ها تخیل جانشین تفکر است – و ایجاد نوعی پذیرش درونی در قلوب آن‌ها می‌داند که تنها از طریق ابزارهای تخیلی امکان‌پذیر است. از طرفی در دنیای معاصر، رسانه نقش گسترده‌ای در شکل‌گیری تخیل فردی و اجتماعی دارد و بازیگران سیاسی و اجتماعی برای نفوذ در اذهان مردم بیشترین بهره را از این ابزار می‌برند. یکی از چالش‌های سیاسی - اجتماعی صدسال اخیر ایران حقوق زنان و حجاب است و رسانه‌ها نیز نقش پررنگی در این چالش دارند؛ از این رو این پرسش پیش می‌آید که بین مسئله حقوق زنان در ایران و تخیل سیاسی چه ارتباطی وجود دارد؟ با فرض بر اینکه حقوق زنان یک میدان اجتماعی است، ابتدا مفهوم تخیل سیاسی در فلسفه اسلامی و همچنین فلسفه کانت تبیین می‌شود سپس در ادامه به واکاوی مسئله حجاب به عنوان یک میدان در اندیشه بوردیو به روش تحلیل گفتمان و داک جهت پیدا کردن رابطه واقعیت عینی و ساختمان ذهنی کنشگران پیرامون مسئله حجاب می‌پردازیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واقعیات عینی و تحولات اجتماعی پیرامون مسئله حقوق زن و حجاب متأثر از ذهنیت و تخیل سیاسی کنشگران و عامه مردم بوده است.
تاریخ دریافت:	
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
انتشار آنلاین:	
صفحات:	
	کلید واژه‌ها: تخیل سیاسی، زن ایرانی، نظریه بوردیو، رسانه، نظام جنسیتی، ذهنیت.

مقدمه

قوه خیال در کنار حواس و عقل از جمله منابع ادراک انسان به شمار می‌رود که دارای نقشی آفریننده، معطوف به اراده شخص و پیش‌برنده علم و اندیشه است. برخی فلسفه‌های سیاسی غربی ساحت خیال را دورترین حوزه و پایین‌ترین مرتبه از واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی تلقی نمودند و همین هم باعث شده است نسبت میان خیال و اندیشه سیاسی عجیب به نظر آید. فلاسفه اسلامی، فلسفه یونانی را فاقد توانایی کافی برای پرداختن به پدیده‌های معنوی مانند وحی و ایمان می‌دانستند و عالم مثال و قوه تخیل را مطرح نمودند (قادری و بستانی، ۱۳۸۶، صص. ۹۶-۹۴). این رویکرد در فلسفه ایرانی - اسلامی برجسته‌تر شد که «عالم مثال» در حکمت اشراق سهروردی و حکمت متعالیه ملاصدرا نمونه بارز آن است. کارکرد قوه خیال و متخیله در فلسفه کانتی و صدراپی به هم نزدیک بوده و از نوع کارکرد ایجابی و معرفتی است؛ اما کاملاً یکسان نیست (سعادت، ۱۳۹۰، صص. ۷۰-۶۰).

تخیل سیاسی همه آن فرایندهای تخیلی است که به وسیله آن‌ها زندگی جمعی به‌طور نمادین تجربه شده و این تجربه برای دستیابی به اهداف سیاسی بسیج می‌شود. از این دیدگاه، سیاست مبارزه‌ای برای نفوذ در تخیل مردم است و چنین مبارزه‌ای نخست در درون انسان‌ها رخ می‌دهد که در ادامه منجر به کنش میان آن‌ها می‌شود (Duncombe & Harrebye, 2023, p. 1022).

با این مقدمات، واضح است که تخیل نقش کلیدی در جنبش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. نارضایتی مردم از آنچه هست، تصور آن‌ها از اینکه اوضاع زمانی بهتر بوده است، یا اینکه اوضاع ممکن است چگونه شود، اغلب باعث حمایت از جنبش‌های اجتماعی می‌شود. جنبش‌های اجتماعی نیز به‌نوبه خود می‌توانند تصورات جدیدی را برای مردم ایجاد کنند (Hawlina and others, 2020, p.32). با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان همواره مورد توجه کنشگران و بازیگران سیاسی داخلی و بین‌المللی بوده است. از طرفی در دوران معاصر، سیاست از حالت دستوری، دفعی و یک‌باره به تدریجی بودن منتقل شده و جنبه تربیتی پیدا کرده است و زنان در این مقوله قوی‌تر هستند؛ از این‌رو، بررسی جایگاه زنان و حقوق سیاسی اجتماعی آن‌ها از منظر تخیل سیاسی اهمیت پیدا می‌کند. درواقع این پرسش پیش می‌آید که بین تخیلات فردی - اجتماعی زنان و بازیگران سیاسی با واقعیات عینی چه نسبت و رابطه‌ای برقرار است؟

با توجه به مقدمات ذکر شده و با در نظر گرفتن نقش پررنگ مسئله حجاب و حقوق زنان در گفتمان‌های سیاسی دهه‌های اخیر، پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که حقوق زنان یک «میدان اجتماعی» است که رقابت کنشگران بر روی تأثیر بر ذهنیت‌ها و ساخت واقعیت اجتماعی متفاوت متمرکز است.

در این راستا، ابتدا نقش قوه خیال و عالم مثال در فلسفه ایرانی-اسلامی بیان شده و با فلسفه یونانی و کانتی نیز مقایسه می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از کارکرد قوه تخیل در عالم سیاست مانند آرمان‌شهر توماس مور و تألیف سه‌گانه کانت اشاره می‌شود. رویکرد روش‌شناختی روٹ وداک می‌تواند ابزار مؤثری در تحلیل گفتمان‌ها و کنش‌ها و ارتباط تخیل و واقعیت باشد. در سال‌های اخیر رسانه‌ها نقش برجسته‌ای در مناقشات مرتبط با مسئله زنان در جمهوری اسلامی ایران داشته است. در نظریه‌پردازی فمینیستی مناسبات اجتماعی به گونه‌ای شکل گرفته است که زنان از منابع مادی و قدرت برخوردار بوده و فرصت کمتری برای ابراز وجود دارند و این نابرابری حاصل سازمان جامعه است، نه حاصل تفاوت‌های بیولوژیک یا شخصیتی مهم زن و مرد. از سوی دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی ضمن رویکرد انتقادی به جایگاه زن در تمدن و فلسفه غرب و نفی برابری جنسیتی بر عدالت جنسیتی، توجه به نهاد خانواده و درعین حال مشارکت فعال زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌نماید. از دوران اصلاحات به بعد تقابل این دیدگاه در رسانه‌ها اعم از مطبوعات، سینما، ماهواره، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به صورت تصاعدی تشدید شد.

رسانه نقش مهمی در پرورش تخیل افراد دارد و رسانه‌های مجازی به واسطه فزونی نشانه‌ها، ذهنیت و تخیل مخاطبان و در امتداد آن، واقعیت و جریان‌های اجتماعی متفاوت خلق می‌کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری تخیل و ذهنیت زنان پیرامون «هویت زنانگی» آنان و به تبع آن مطالبه نمودن این ذهنیت در دنیای واقعی دارد. مرور انقلاب جنسیتی و سکولاریزاسیون اروپا در قرن بیستم و همچنین جنبش‌های زنانه در ایران از دریچه نگاه تخیل سیاسی نشان می‌دهد بین مذهب، زنان و سیاست ارتباط چند سویه وجود دارد. رسانه نیز به عنوان یک ابزار تحریک‌کننده و تقویت‌بخش تخیل نقش فعال‌سازی و برانگیختگی در این ارتباطات را دارد.

۱. پیشینه تحقیق

نیکخواه قمصری در پژوهشی نقش گفتمان فمینیستی در مشارکت گسترده زنان در انقلاب اسلامی را مورد واکاوی قرار داده و نتیجه گرفته است در سایه بی‌اعتمادی گفتمان فمینیستی به اراده حکومت در پاسخ به مطالبات زنان و توانایی گفتمان انقلاب اسلامی در ارائه الگوی زنانگی دیگر متناسب با مقتضیات جامعه، طیف وسیعی از زنان بی‌هیچ دغدغه زنانه‌ای به جریان مبارزات انقلابی پیوندند (۱۳۹۵).

فتح‌اللهی، تخیل سیاسی را حقیقت گذشته می‌داند که به تدریج ظاهر می‌شود و انتظار آینده را سبب می‌شود. جامعه‌ای دارای تخیل است که بتواند انقلاب کند و آن را تداوم بخشد، قانون اساسی داشته باشد و نظام مدیریتی داشته باشد (۱۳۹۹).

صادقی در پژوهشی، سیاست جنسیت در ایران بعد از مشروطیت را روندی سینوسی می‌داند که با افت‌وخیزها، پیشرفت‌ها، توقف‌ها و عقب‌گردهایی همراه است. این روند متأثر از مجموعه متنوعی از متغیرهای داخلی و خارجی، ذهنی و عینی، فکری و عملی، اجتماعی و سیاسی بوده است (۱۴۰۰).

در مقاله «بررسی سیر تحول ذهنیت زن ایرانی در مواجهه با مدرنیته با تکیه بر رمان‌های «روزگار سیاه»، «زیبا» و «شب یک شب» (۱۴۰۱)، سیر تحول ذهنیت زن ایرانی در مواجهه با مدرنیته را با تکیه بر رمان‌هایی از دو دوره ابتدا و میانه قرن چهاردهم شمسی بررسی شده است. بخارایی و توکلی در مقاله‌ای الگوهای تخیل اجتماعی در میان کاربران رادیو و رسانه‌های تولید کاربر مجازی را مورد تحلیل قرار داده‌اند؛ و نتیجه گرفته‌اند جریان اجتماعی تولیدشده مبتنی بر تخیل در هر دو رسانه، آرمان‌پردازی‌های فردی است که اهداف اجتماعی و معطوف به دیگری را کمتر در خود نهفته دارد (۱۳۹۵).

۲. روش تحقیق

هدف این پژوهش تحلیل گفتمان‌های سیاسی ایران پیرامون حقوق سیاسی-اجتماعی زنان از منظر تخیل سیاسی دنیای معاصر است. رویکرد روش‌شناختی روژ وداک یک ابزار کارآمد در تحلیل گفتمان‌ها و کنش‌ها و ارتباط تخیل و واقعیت است. وداک گفتمان را مجموعه‌ای پیچیده از کنش‌های کلامی آمیخته به هم می‌داند که هم‌زمان و پیاپی با هم در ارتباط‌اند و

خود را در نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری و میان حوزه‌های اجتماعی کنش نشان می‌دهد. قدرت و ایدئولوژی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌های سیاسی را شکل می‌دهد و به دنبال آن روابط میان گفتمان‌ها نمایان می‌شود. گفتمان در موقعیت‌ها، هویت‌ها و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و در تداوم و بازتولید و تحول آن‌ها نیز نقشی سازنده دارد. از این رو، قدرت در گفتمان منسجم می‌شود و ساختار مسلط با ایدئولوژی گروه‌های قدرتمند مشروعیت می‌یابد. ایدئولوژی نیز که به شکل وساطت زبان در متن متجلی می‌شود درون نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد و ابزار تولید و حفظ روابط نابرابر قدرت در جامعه است (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۸).

به اعتقاد وداک، تحلیل گفتمان به دنبال آن است که نشان دهد چگونه نهادهای اجتماعی گفتمان‌ها را شکل داده و متقابلاً گفتمان‌ها نیز نهادهای اجتماعی را می‌سازند، ایدئولوژی در نهادهای اجتماعی دارای چه کارکردی است و دستیابی به قدرت و حفظ آن دارای چه فرایندی است. وی برای عملیاتی کردن رویکرد تاریخی-گفتمانی خود به استراتژی‌های گفتمانی گزاره‌ای، ارجاعی، استدلالی، منظرسازی و تشدید اشاره می‌کند که هر یک در بازنمایی دلخواه از خود و دیگری در قالب منازعات گفتمان‌های رقیب به کار گرفته می‌شود. استراتژی گزاره‌ای، ویژگی‌های مثبت یا منفی رفتارها را کلیشه یا تخمین می‌زند و خصوصیات کم‌ویش مثبت یا منفی کنشگران اجتماعی را نام‌گذاری می‌کند. استراتژی استدلالی برای توجیه تحقیرآمیز یا تحسین‌آمیز، طرد یا پذیرش افراد به دلیل ویژگی‌های منفی یا مثبت آن‌ها به کار گرفته می‌شود. استراتژی منظرسازی، به قالب‌دهی یا معرفی گفتمان با استفاده از گزارش، توصیف، روایت یا برجسته‌سازی گفتارها و رویدادها می‌پردازد. استراتژی‌های تشدید و تخفیف در پی آن هستند که نقش نیروهای غیرکلامی مؤثر گفتارها را افزایش یا کاهش دهند. درواقع این استراتژی‌ها به طرح‌های عامدانه کردارهای گفتمانی اشاره دارد که با هدف سیاسی، اجتماعی، روانشناسی و زبان‌شناسی خاص اتخاذ می‌شوند و هر یک در سطوح متفاوت پیچیدگی و سازمان زبان‌شناختی جای دارند (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۸).

۳. مبانی نظری

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه‌شناسان متأخر رابطه میان عینیت و ذهنیت برای تبیین تأثیر بسترهای موجود یا نقش کنشگر بر پدیده‌های اجتماعی است. بوردیو با فراتر رفتن از دوگانه انگاری‌های عینیت-ذهنیت بر ارتباط متقابل بین آن‌ها تأکید می‌کند. به نظر او آنچه بین ساختارهای ذهنی کنشگران و ساختارهای عینی جامعه وساطت می‌کند، حوزه کنش است. کنش اجتماعی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها گفته می‌شود که انسان‌ها در بستر جامعه به واسطه آنها «خود» را می‌سازند و از آن حفاظت می‌کنند و با تداوم آن به تکمیل شناخت‌های خود دست می‌یابند. در اندیشه بوردیو این رابطه با مفاهیمی مانند ساختمان ذهنی، سرمایه‌های اجتماعی و نمادین، میدان و عادت‌واره یاد می‌شوند.

عادت‌واره‌ها نظامی از گرایش‌ها و تمایلات پایدار، مستمر و قابل انتقال هستند که از طریق فرایند جامعه‌پذیری در فرد درونی می‌شوند و چنان متجلی می‌شوند که به نظر می‌رسد از ابتدا در سرشت فرد بوده‌اند (مؤید حکمت، ۱۳۹۳، صص. ۱۴۱ و ۱۵۵).

سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از ارتباطات اجتماعی افراد بانفوذ جامعه گفته می‌شود که به واسطه آن موقعیت افراد در جامعه مستحکم می‌شود. بوردیو ایجاد ارتباط با افراد مشهور را سبب تثبیت جایگاه و سرمایه مادی یا نمادین کنشگر می‌داند. سرمایه نمادین، مانند پرستیژ و افتخار اجتماعی، راهی برای سخن گفتن در خصوص مشروع‌سازی روابط قدرت از طریق اشکال نمادین است. انواع دیگر سرمایه در این سرمایه تجمیع شده و زمینه سلطه و مشروعیت افراد و گروه‌ها را در جامعه فراهم می‌کند (نقیب‌زاده و استوار، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۵).

ساختمان ذهنی محصول نهادینه شدن ساختارهای جهان اجتماعی در ذهنیت انسان است. ساختمان ذهنی هم جهان اجتماعی را تولید می‌کند و هم تولیدشده آن است. آن‌هایی که جایگاه یکسانی در جهان اجتماعی دارند ساختمان ذهنی مشابه دارند. این ساختمان در طی فراگرد تاریخی ساخته و پرداخته می‌شود و ماندگار و انتقال‌پذیر است. تمام کارگزاران تصویر خودشان از جهان عینی را بر اساس ادراک خود از جهان می‌سازند. هرکدام از مواضع و عادت‌واره‌ها محصول درونی کردن ساختارهای جهان اجتماعی هستند و از سوی دیگر، بر ساخته‌هایی ذهنی‌اند که کارگزاران اجتماعی از طریق آن‌ها جهان اجتماعی را می‌فهمند (مرتضوی و پاکزاد، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۲).

میدان، نظام ساخت یافته از موقعیت‌هایی است که به وسیله افراد یا نهادها اشغال می‌شود و فضای بازی کنشگرانی است که با پذیرش قواعد بازی تحت تأثیر نیروی آن عمل می‌کنند. هر جامعه فضایی مرکب از میدان‌های به هم پیوسته است که محل رقابت کنشگران برای دستیابی به مجموعه‌ای از کالاها و سرمایه‌هاست. این کالاها به چهار دسته اصلی تفکیک می‌شوند: سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین. عادت‌واره به لحاظ درونی برانگیزاننده کنش و رویه‌هاست و میدان نیز به لحاظ بیرونی کنش را تنظیم می‌کند. کسانی که در میدان به جایگاه و موقعیت سلطه و حکمرانی می‌رسند در پی اجرای راهبرد بقا و حفظ وضع موجود هستند و متقابلاً ناراضیان و مخالفان وضع موجود به دنبال راهبردهای ایجاد تغییر و براندازی هستند. بدین ترتیب بورديو از دوگانگی ذهنیت-عینیت می‌کاهد و از منظر او بسیاری از کنش‌های افراد درون میدان‌ها در ناخودآگاه کنشگران وجود دارد و ساخت پذیر شده است و می‌تواند سازنده هم باشد. به نظر او کنشگر به هر میزان که از سرمایه‌های بیشتری برخوردار باشد کیفیت کنش و میزان مشروعیت او متفاوت خواهد بود (نقیب‌زاده و استوار، ۱۳۹۱، صص. ۲۹۰-۲۸۵). کنشگران میدان اجتماعی دارای یک یا چند هویت مشترک هستند و موقعیت و قدرت آنان وابسته به میزان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادینی است که در اختیار دارند. به اعتبار این سرمایه‌ها آن‌ها برای تثبیت یا تغییر مرزهای میدان و قواعد حاکم بر آن با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا جایگاه اجتماعی خود را توسعه و تحکیم بخشند (Bourdieu, 1993, p. 42).

۴. تخیل سیاسی

شناخت واقعیت‌های اجتماعی وابسته به شناخت بُعد غیرملموس و تخیلی انسان است و توصیف خاستگاه طبقاتی و اجتماعی انسان با تخیل اجتماعی او امکان‌پذیر است. مجموعه تخیل‌های پیش‌بینی‌ناپذیر افراد سبب پدید آمدن شبکه گسترده و پیچیده روابط موجود و ممکن اجتماعی می‌شود و به دنبال آن گریز از واقعیت مادی زندگی به عالم خیال اتفاق می‌افتد. در این فضای خیالی است که در مورد مسائل اجتماعی مانند رضایت مردم، امنیت، ترس و انقلاب گفت‌وگو می‌شود. تخیلات با شکل‌دهی ذهنیت، فرهنگ و جهان اجتماعی مردم، زمینه‌ساز جریان‌های اجتماعی هستند (فتح‌الهی ۱۳۹۹، ص. ۳۵).

باشلار^۱ نظریه پرداز فرانسوی، معتقد است تخیل با بهره گیری از بن‌مایه‌های روانکاوی فروید، میان تخیل و رؤیا تمایز قائل شده است. تخیل تنها یک برداشت از ادراک حسی نیست و ساختاری پویا و بر پایه اراده شخص دارد که نقشی سازنده در زندگی انسان بازی می‌کند. برخلاف تصور رایج، تخیل یک عامل مؤثر در پیشرفت‌های علمی بوده و دانشمندان در کنار تجربه و تعقل برای نظریات خود از تخیل نیز بهره برده‌اند (بخارایی و توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸).

نسبت میان خیال و اندیشه سیاسی در ابتدا ممکن است عجیب به نظر آید. دلیل این امر نیز به تلقی رایج در برخی فلسفه‌های سیاسی غربی برمی‌گردد که اغلب تخیل در پیوند با اسطوره به عنوان امری پیش‌عقلانی و مربوط به دوران نخستین تمدن بشری مورد فهم قرار گرفته است و آن را پایین‌ترین مرتبه از واقعیت‌های سیاسی اجتماعی برشمرده‌اند. در تمثیل غار رساله جمهور، افلاطون دو ساحت محسوس و معقول را تفکیک و ساحت محسوس را مانند سایه‌هایی می‌داند که باید از آن‌ها اعراض و به مثل عقلی روی آورد. فراتر از این، محسوسات پندارهایی بیش نیستند و تخیل تقلیدی از محسوسات است؛ از این رو، تخیل از سایه‌های عالم محسوس هم بی‌اعتبارتر است و داستان‌ها، تراژدی‌ها، کمدی‌ها و اشعار که بر این مبنا استوار هستند نباید در دسترس عموم قرار گرفته و در تربیت کودکان استفاده شوند (قادری و بستانی، ۱۳۸۶، صص. ۹۵-۹۳)؛ اما ارسطو تخیل را عملی مستقل؛ اما متکی به نفس می‌داند و خرد را به عنوان غایت سایر قوای بشر در بالاترین مرتبه قرار می‌دهد که سایر قوا در خدمت آن قرار می‌گیرند. مهم‌ترین نتیجه این سلسله مراتب قوای انسان نادیده گرفته شدن کارویژه‌های خاص هر قوه است (قادری و بستانی، ۱۳۸۶، ص. ۹۶).

هانری کربن مهم‌ترین ویژگی «فلسفه ایرانی» را عنایت به تخیل می‌داند و معتقد است تاریخ اندیشه از ایران مزدایی تا ایران اسلامی، علی‌رغم گسست‌های ظاهری، دارای نوعی تداوم است و عالم خیال عنصر اساسی تضمین‌کننده این تداوم است. این گرایش به تخیل در اندیشه سیاسی ایران اسلامی در حکمت اشراق سهروردی با طرح «خیال فعال» به اوج می‌رسد (قادری و بستانی، ۱۳۸۶، ص. ۹۴). فارابی و به تبع او ابن سینا خیال را در هردو قوس صعود و

نزول انکار نموده و تمامی قوای نفس غیر از عقل را مادی می‌دانند که بعد از مرگ از بین می‌روند. «سهروردی علاوه بر عالم جسمانی و عالم نفس و عقل، عالم دیگری به نام عالم مثال که عبارت از صور قائم به ذات است را مطرح کرد که گام مهمی در توسعه و تعمیق فلسفه در جهان اسلام به شمار می‌رود». عالم مثال مشتمل بر صور خیالی است که غیر صور موجود در اجسام مادی است (اکبریان، ۱۳۸۸، ص. ۷). در حکمت متعالیه ملاصدرا، عالم مثال واسطه میان عالم جبروت و عالم ملک و شهادت است؛ عالمی است روحانی که از طرفی به لحاظ داشتن مقدار، همانند جوهر جسمانی و از طرف دیگر، به واسطه نورانیت، مشابه جوهر مجرد عقلانی است. عالم مثال عالمی است که در آن دو جهان طبیعت و ملک و عقل و ملکوت به یکدیگر تبدیل و تبدل می‌یابند (ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۸۸، ص. ۷۷).

در ادبیات دنیای امروزی می‌توان گفت که سیاست، فعالیت‌هایی است که درگیر کسب و استفاده از قدرت در زندگی عمومی است. از سوی دیگر، تخیل به معنای «توانایی ایجاد تصاویر در ذهن انسان» و «توانایی اندیشیدن به ایده‌های جدید» است. این توانایی ذهن برای خلاقیت و مدبر بودن به شیوه‌هایی است که نه متکی به واقعیتی است که در حال حاضر با آن روبرو هستیم و نه توسط تجربه شخصی محدود می‌شود. این تصاویر جدید در ذهن انسان، یا آنچه معمولاً رؤیا نامیده می‌شود، می‌تواند از نظر مکانی یا زمانی دور، غیرمحمول یا حتی غیرممکن باشد. پتانسیل دگرگون‌کننده تخیل این است که «حرکت» این بینش‌ها منجر به تغییراتی در درک ما از زمان حال و نحوه عمل ما در آن می‌شود؛ بنابراین تخیل سیاسی در یک‌زمان، هم سیاسی - فردی و هم اجتماعی - فردی است و می‌توان آن را راهی برای فراتر رفتن از واقعیت سیاسی و در نتیجه به چالش کشیدن انطباق تعریف کرد و از آن برای تجسم آینده‌های احتمالی و زنده کردن گذشته واقعی اما دور استفاده کرد. در سیاست، کنشگرانی دیده می‌شود که به دیدگاه خود از جهانی که هنوز برای هدایت اعمالشان در اینجا و اکنون ساخته نشده است اعتماد دارند، درعین حال شرایط کنونی را درک می‌کنند و دارای مهارت‌هایی هستند که می‌توانند دید خود را در زمان حال به دید دیگران برسانند (Duncombe & Harrebye, 2023, p. 1022). تخیل با توانمند ساختن ما برای ارائه تصویری از جهان، به ما اجازه می‌دهد تا اهداف خاصی را به‌عنوان سزاوار اولویت کم‌وبیش نسبت به

دیگران درک کنیم و به‌ویژه اهداف جدیدی را متصور شویم. سیاست در بهترین حالت، اولویت‌بندی اهداف در پرتو دلایل خوبی است که می‌تواند تخیل ما را به حرکت درآورد (Ferrara, 2011, p. 40).

از منظر روان‌شناسی نیز، سیاست مبارزه‌ای برای تصاحب تخیل مردم است و چنین مبارزه‌ای در وهله اول در درون انسان‌ها رخ می‌دهد سپس منجر به کنش در میان آن‌ها می‌شود. از آنجایی که روح با جریان دائمی در حال تغییر و تولید مداوم تصاویر بسیار غیرمنطقی، غیرقابل پیش‌بینی، ناپایدار و تمام‌نشده است، سیاست نیاز به سرکوب روح دارد؛ زیرا سیاست به ثبات، آمار و روندها نیاز دارد. در مقابل، روانکاوی، کشف مجدد روح در معنا و واقعیت باستانی آن است. روانکاوی آزادسازی تصویر است، نشاط روح را افزایش می‌دهد و بنابراین به‌طور بالقوه به خطرناک کردن آن از نظر سیاسی کمک می‌کند. حتی قبل از شروع سیاست، انسان‌ها از تصاویر و تخیل می‌ترسند. قدرت پاسخی به وحشتی است که انسان در مواجهه با ورطه روح خود احساس می‌کند. قدرت در همه‌جا وجود دارد؛ زیرا نیرویی است که انسان‌ها در وهله اول به‌عنوان فردی و گروهی علیه خود اعمال می‌کنند؛ از این‌رو، صاحبان قدرت نمی‌توانند آزادی را که برای خود محدود کرده‌اند را در دیگران تحمل نمایند؛ به همین دلیل است که قدرت به‌طور عام و قدرت سیاسی به‌طور خاص تا حد زیادی ناخودآگاه است (Bugliani & Barritt, 2011, p. 73).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فلاسفه مسلمان امکان‌پذیر نبودن پاسخ کامل به پرسش از مقام نبوت در فلسفه با دستگاه فکری یونانی بود. فارابی مهم‌ترین و نخستین فیلسوف تمدن اسلامی است که از قوه تخیل برای تبیین مقام نبوت و مدینه فاضله بهره جسته است. از نظر فارابی رئیس اول مدینه فاضله کسی است که قوه تخیل او در نهایت کمال باشد و در سلسله‌مراتب طبیعی در رتبه‌ای قرار دارد که می‌تواند به‌طور مستقیم به عقل فعال متصل گشته و حقایق را دریافت کند. در فلسفه سیاسی فارابی از آنجاکه برای عموم مردم تفکر و تعقل راهبر آن‌ها نیست و تخیل جانشین تفکر است نفوذ در قلوب و برانگیختن آنان تنها از طریق ابزارهای تخیلی که معقولات را برای عوام مجسم و متمثل ساخته است، امکان‌پذیر خواهد بود (قادری و بستانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۸).

در فلسفه سیاسی اسلامی - به‌ویژه در حکمت اشراق - سیاست آرمانی از نظام سلسله مراتبی حاکم بر عالم الگو می‌گیرد. به‌عنوان مثال، در علم‌الانوار سهروردی از مراتب مختلف نور که نسبت به یکدیگر دارای شدت و ضعف تشکیکی هستند بحث می‌شود. شیخ اشراق نبی را واجد چهار شرط می‌داند:

۱. مأمور ادای رسالت از طرف خداوند؛
 ۲. اتصال به عقل فعال و کسب معقولات از عالم برتر؛
 ۳. آگاهی از غیب و جزئیات گذشته و آینده؛
 ۴. قدرت تصرف در عالم ماده و خرق عادات.
- از بین این ویژگی‌ها اولین ویژگی به انبیا اختصاص دارد و سه ویژگی دیگر میان نبی و «حکیم مثاله» مشترک است. این سه، ویژگی‌های حاکم آرمانی در حکمت اشراقی محسوب می‌شوند و همگی با عالم خیال مرتبط هستند. در سنت اشراقی «جام جهان‌نما» تمثیلی از ارتباط با عالم خیال و مشاهده صور مثالی در آن است. به‌طور کلی در آیین سیاسی اشراقی، عالم سیاست به‌مثابه بخشی از عالم ماده در مرتبه وجودی نازلی قرار دارد و سرنوشت مناسبات حاکم بر آن در مرتبه وجودی بالاتر که همان عالم خیال است رقم می‌خورد (بستانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳).

۴-۱. تخیل سیاسی در غرب

آرمان‌شهر مور نمونه‌ای از تخیل سیاسی، راهنمای دستورالعملی در مورد چگونگی تصور سیاسی است و به معنای واقعی کلمه این عمل را نام‌گذاری می‌کند. دنیای خیالی‌ای که مور توصیف می‌کند یک جزیره مدینه فاضله است که دارای یک دولت و روحانیت منتخب دموکراتیک است که در آن زنان می‌توانند به موقعیت‌های قدرت دست یابند. بهداشت و آموزش عمومی وجود دارد و آرمان‌شهرها آزادی بیان و مذهب را تضمین می‌کنند. مدینه فاضله به فقرای کشورهای دیگر کمک‌های خارجی می‌فرستد. زندگی و کار به‌طور منطقی برای خیر و صلاح همه برنامه‌ریزی شده است. مور بارها و بارها در کتابش، به روش‌های مختلف، چشم‌اندازی از یک دنیای ایده‌آل خلق می‌کند و سپس به ما می‌گوید که امکان‌پذیر نیست؛ و این پارادوکس در مرکز درک مور از تخیل سیاسی قرار دارد. مور از طریق گفتن داستانی به خواننده و هدایت آن‌ها به سفر، آن‌ها را متقاعد می‌کند

که اتوپیا مکانی واقعی است. دنیایی که مور طرح می‌کند آن قدر شفاف و متقاعدکننده است که خواننده تصور می‌کند آن‌ها آنجا هستند؛ اما سپس یادآوری می‌کند که این مکان فقط تخیلی است و چنین دنیایی در واقعیت وجود ندارد؛ اما این اعتقاد در انسان امروزی تقویت شده است که زندگی در جهان دیگری ممکن است. زمانی که محدودیت‌های امر سیاسی معلق می‌شوند. همان‌طور که از طریق اعمال تخیل مذهب، فلسفی و هنری رخ می‌دهد، آرمان‌شهر می‌تواند به نقشه‌ای برای یک حوزه سیاسی جدید تبدیل شود (Duncombe & Harrebye, 2023, p. 1024).

در نظر کانت، قوه خیال تنها مخزن و خزانه‌ای برای نگهداری حواس ادراکات حواس نیست. خیال قوه‌ای دارای قدرت آفرینندگی است که تجربه را امکان‌پذیر می‌سازد. قوه خیال دارای کارکردهای دوگانه استعلایی و تجربی است. کارکرد استعلایی، پیشینی بوده و در ارتباط با تألیف بین کثرات شهود حسی و مفاهیم است. کارکرد تجربی، پسینی بوده و مربوط به ماده‌شناسایی است؛ اما اصطلاح «تألیف» در استدلال استنتاجی کانت بسیار به کاررفته و آن را به معنای کنار هم نهادن تصورات مختلف و فهم کثرت آن‌ها در شناختی واحد می‌داند و بر سه قسم تألیف دریافت^۱، بازسازی^۲ و بازشناسی^۳ تأکید می‌کند. از نظر کانت هرگونه دریافت و ادراک حسی پیش از آن که حاصل قوای حسی باشد، حاصل تألیف قوه خیال است. تألیف بازسازی کاملاً بر عهده قوه خیال است و انسان برای تشخیص چیزی که دریافت کرده است لازم است آن را در ساحت ذهن خود بازسازی کند. تألیف بازشناسی دارای اهمیت بیشتری است و با مشارکت خیال و فاهمه محقق می‌شود (سعادت، ۱۳۹۰، ص. ۵۶).

۲-۴. تخیل و جنبش‌های اجتماعی

چه به صراحت ذکر شود یا نه، تخیل نقش کلیدی در جنبش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. جنبش‌های اجتماعی نیز به نوبه خود می‌توانند تصورات جدیدی را برای مردم ایجاد کنند؛

1. Apprehension
2. Reproduction
3. Recognition

بنابراین، جنبش‌های اجتماعی معمولاً با تخیل یک جمع و آنچه ممکن است به آن دست یابند، همراه است. تخیل به عنوان فرایندی که دوری از شرایط کنونی برای کشف گذشته، آینده و احتمالات ممکن را فراهم می‌کند، این اجازه را به افراد و گروه‌ها می‌دهد تا از پیکان تغییرناپذیر زمان بگریزند و حول اهداف ایجادشده در فرایندهای تصور آنچه بود و آنچه باید باشد یا نباید باشد جمع شوند (Hawlina and others, 2020, p. 32).

با بهره‌گیری از نظریه میدان بوردیو نظام جنسیت یک «میدان اجتماعی» است که درواقع عرصه منازعه و توزیع قدرت بین مردان و زنان است. میدان مردسالار بدین معناست که زنان هرچند کاملاً فاقد قدرت نیستند اما در موقعیت پایین دست قرار دارند. حتی در یک جامعه سنتی نیز زنان در عرصه‌های مختلف مانند خانواده، محله و گاهی در حوزه‌های عمومی و سیاسی در قالب عادت‌واره‌های خاص خود به کنش‌هایی برای بهبود جایگاه و موقعیت خود دست می‌زنند (صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۶۷). تعامل و تقابل طیف وسیع و متنوعی از نیروهای اجتماعی و تمایلات گاه متناقض آنان سبب ظهور الگوهای متعددی از سیاست جنسیت در ایران بوده است (صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۸۴). هرچند که به لحاظ نظری گفتمان انقلاب اسلامی برای نقد هر دو رویکرد سنتی و مدرنیته تلاش نموده است؛ اما به لحاظ عملی با وابسته و معرفی کردن عامل گفتمان مدرنیزاسیون در ایران و تلاش برای جذب گفتمان سنتی و ایجاد تحول در نحوه استفاده از امکانات این گفتمان روشی متفاوت در پیش گرفت. این رویکرد گفتمان انقلاب اسلامی در پیوند مشکلات و نارضایتی‌های زنان با مشکلات و مسائل سیاسی سبب جذب زنانی که از مشی استبدادی حاکم بر رژیم ناراضی بودند از طرفی و جذب زنان مخالف سکولاریزاسیون از طرف دیگر شد (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۹). چنددهه حضور فزاینده زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، از جمله اشتغال و آموزش و فراگیری سبک نوین زندگی در میان جمعیت رو به گسترش شهرنشین به‌طور خودکار هرگونه رویکرد و سیاست محدودکننده در مورد زنان را با مقاومت روبرو می‌ساخت. از طرفی بیشتر نیروهای اجتماعی، به‌ویژه نیروهای مذهبی، این امکان را فراهم می‌کردند که آن بخش از زنان که پیش از انقلاب اسلامی بنا بر ملاحظات فرهنگی و اعتقادی، تمایل چندانی برای حضور در عرصه‌های اجتماعی را نداشتند وارد این عرصه‌ها شوند. این روند سبب شد

میزان حضور زنان در عرصه‌های عمومی به مراتب بیشتر و متنوع‌تر از سال‌های قبل از انقلاب اسلامی شود (صادقی، ۱۴۰۰، ص. ۷۵).

۳-۴. تخیل سیاسی و رسانه

در ارتباط با پرورش تخیل رسانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

دسته اول، رسانه‌های پرتخیل مانند بازی‌ها که با ایجاد هیجان کاذب، مخاطب را دچار خلسه و بریدگی از واقعیت می‌کند؛

دسته دوم، رسانه‌های کم تخیل مانند تلویزیون و ماهواره هستند که به علت استفاده آن‌ها در پرتو دیگر حواس (بینایی و شنوایی) عرصه برای تخیل کمتر امکان‌پذیر است؛

دسته سوم، رسانه‌های با تخیل مثبت هستند که رادیو نمونه برجسته آن است. در استفاده از رادیو تنها حس شنوایی درگیر است و در نتیجه امکان ظهور و تعمیق تخیل فراهم می‌شود. علاوه بر این برنامه‌های رادیو، گزارش مسابقه، داستان، اخبار و ... ریشه در یک واقعیت دارد و مخاطب را در یک فضای واقعی دچار تخیل می‌کند (حیدری، ۱۳۸۸، ص. ۵۰).

در فضای مجازی نوع خاصی از پدیده‌ها و موجودات مانند واقعیت بر ما آشکار می‌شوند و با ذهن و حواس ما تعامل دوطرفه ایجاد می‌نمایند. از یک طرف می‌دانیم این پدیده‌ها و موجودات با آن چیزی که در واقعیت می‌بینیم متفاوت هستند و از سوی دیگر با حواس ما ارتباط دوطرفه دارند و موجودات ذهنی صرف نیستند. در فلسفه اسلامی این موجودات که نه ذهنی خالص هستند و نه مادی خالص در عالم خیال (خصوصاً تعریف فارابی از خیال) قرار می‌گیرند (نجف‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۱۷). این رسانه‌ها روی یک واقعیت متورم و حاد متمرکز شده و با بهره‌گیری از روش‌های تبلیغاتی مخاطب را به اقناع ذهنی می‌رسانند و از آنجا که کاربرانی تخیل زیست دارند، قادر به ساختن جریان اجتماعی غالب هستند.

«قدرت اجتماعی این رسانه‌ها از طریق «شخصی بودن» و «همراه بودن» و با فراهم کردن امکان «ایده‌آل‌سازی» و «فراواقعی‌سازی» اعمال می‌شود». به گونه‌ای که مخاطب پیام‌ها را با تفکرات کلیشه‌ای آزمون نشده و بدون بازاندیشی تبدیل به تصورات ذهنی و در امتداد آن تخیلات ایجاد شده را در عالم واقع محقق می‌سازد (بخارایی و توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲).

با تغییر سبک زندگی، رشد فناوری ارتباطات و گسترش فضاهای مجازی بستری مناسب برای رشد افراطی خیال و تعدی آن از کارکرد تکوینی و فطری در انعکاس معانی باطنی در نفس و گذار از طبیعت به عالم ملکوت فراهم شده است. در این فضا کودکان بیشتر با بازی‌های خیالی و ذهنی و مشاهده صحنه‌های تخیلی سرگرم می‌شوند و قوه تخیل با انواع صور خیالی نامتعارف که هیچ مابه‌ازای واقعی در عالم عینی ندارند تغذیه می‌شود (مقدم، ۱۴۰۰، صص. ۹۷ و ۱۰۲). فضای مجازی یک جهان مستقل است که در جهان ما حضور دارد و به دنبال یکی کردن این دو جهان است. ساختار فناورانه فضای مجازی به گونه‌ای است که مرتبه‌ای از موجبیت یا تعین ناقص را دارد که الگوریتم‌های ارتباطی و اطلاعاتی آن کاربر را در یک مسیر مشخص به پیش می‌برد. علاوه بر این معماری جامعه مجازی نوع خاصی از زیست را تقویت می‌کند که متناسب با نظام ارزشی لیبرال سرمایه‌داری است (نجف‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۴).

سیطره قوه خیال بر نفس و انس و الفت بیشتر نفس با خیال باعث کاهش قابلیت رهایی و اشتغال به مراتب عقلی و باطنی و ملکوتی آن می‌شود (مقدم، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۲). در فضای رسانه‌ای هرچه ابعاد نمادین یک ارتباط قوی‌تر باشد، تخیل بیشتری را فعال می‌کند. فزونی نشانه‌ها در رسانه‌های مجازی، باعث تقویت و تشدید تخیل شده و هرچه بیشتر ذهنیت و تخیلات مخاطبان و در امتداد آن، واقعیت و جریان‌های اجتماعی متفاوت خلق می‌شود. یکی از مهم‌ترین رسانه‌های دیجیتال «تولید-کاربر» هستند. در بسیاری از موارد محتوای تولید کاربر درواقع تصاویر دیجیتال ذخیره شده‌ای است که زمانی با یک تلفن همراه یا دوربین شخصی گرفته شده است. از مهم‌ترین رسانه‌های مجازی تولید کاربر در ایران، اینستاگرام و وایبر هستند. به عنوان مثال، بنابر پژوهش‌های صداوسیما، ۸۹ درصد از افراد پانزده سال به بالای شهر تهران در سال ۱۳۹۴ عضو شبکه اجتماعی وایبر بوده‌اند (بخارایی و توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸).

۵. ذهنیت‌ها نسبت به زن و سبک زندگی

در این بخش مثال‌هایی از چگونگی تأثیر ذهنیت نسبت به زن و سرایت آن به دنیای واقعی آورده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که هرچقدر استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی

افزایش یابد نگرش مثبت نسبت به معاشرت و ارتباط با جنس مخالف خارج از چهارچوب ازدواج افزایش می‌یابد (مبارکی و شرفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۱). این رسانه‌ها از شگردهای تبلیغاتی بهره برده و به‌طور غیرمستقیم از طریق بازنمایی و ارائه سبک زندگی با کدهای فراواقعی مخاطب را در مصرف به اقتناع می‌رساند؛ اما اعتماد مخاطب به این پیام‌ها بیشتر است؛ زیرا از طرف سیاست‌گذاران تولید نمی‌شود و تولیدکننده آن کاربری است که در شبکه اجتماعی حضور دارد. این ویژگی سبب می‌شود این رسانه تصورات ذهنی و تخیلات مخاطب را با ویژگی‌های مصرفی هر چه قوی‌تر تولید کند (بخارایی و توکلی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۹). کمپین «چهارشنبه‌های سفید» یکی از این نمونه فعالیت‌ها است که ابتدا دختران روزهای چهارشنبه هر هفته با برداشتن شال و روسری و کشف حجاب تصاویر این اقدام را برای رسانه‌های مرتبط ارسال می‌کردند. زنان و دختران ایرانی با ثبت عکس‌ها و تصاویری از فعالیت‌های روزمره خود و به اشتراک گذاشتن این لحظات با دیگران در فضای مجازی، آنان را در تجربیات و احساسات خود سهیم می‌کردند. این محتواها درواقع بازنمودی از ترجیحات و علایق، ارزش‌ها و نگرش‌هاست که ممکن است برای سایر زنان و بینندگان جذاب و الهام‌بخش شود. زنان ایرانی اغلب وجوه خوشایند زندگی خود را به نمایش گذاشته و علاوه بر مسائل شخصی و موضوعات روزمره، از دغدغه‌های بزرگ‌تری حرف می‌زنند یا بسیاری از دغدغه‌های فردی را با هدف تأثیرگذاری و داشتن یک نتیجه عمومی بیان می‌کنند. برای زنان بسیار مهم است که به تصمیم شخصی آنان در انتخاب نقش و سبک زندگی‌شان و ارزشمند شمردن اراده آنان احترام گذاشته شود. نقش‌ها و موقعیت‌ها به زنان هویت، قدرت و برتری نمی‌بخشند، این زنان هستند که موقعیت‌ها و نقش‌هایی که بر عهده گرفته‌اند را ارزشمند ساخته و با استفاده از خلاقیت و ایده‌های منحصر به فرد خود به آن‌ها تمایز می‌بخشند (بیچرانلو و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۸).

برخی تحقیقات نشان می‌دهد که میزان گسترش فناوری‌های جدید در جامعه به همراه تجربه مشترک نسلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی رویارویی و بهره‌گیری مردان و زنان از شبکه‌های اجتماعی دارد. هرچند زنان و مردان به‌واسطه ویژگی‌های روان‌شناختی، دارای ذائقه‌های به نسبت متفاوتی هستند، متغیر جنس - بخصوص بین دانشجویان - نمی‌تواند تعیین‌کننده سبک استفاده شهروندان از شبکه‌های اجتماعی باشد. به بیان دیگر، تفاوت زنان و

مردان در مصرف رسانه‌ای تا حد زیادی پیامد و بر ساخته از ترکیبی از عوامل میزان گسترش رسانه‌های جدید، تجربیات نسلی و نظام ارزشی و هنجاری جامعه است (میرفردی و ولی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹). در فضای مجازی کاربران بدون ارتباط مستقیم نسبت به تبادل پیام اقدام می‌کنند. این ویژگی نوعی جسارت و شرم‌زدایی را در تعاملات ایجاد می‌کند و از دو طریق باعث افزایش میزان استفاده زنان از فضای مجازی می‌شود. در جامعه ایران به‌طور عام و مناطق سنتی به‌طور خاص زن نمادی از شرم و حیا محسوب می‌شود؛ از این رو، زنی که در فضای عینی نمی‌تواند اقدام به بیان مطالب انتقادی، احساسی یا طنز کند و نسبت به انتخاب پوشش ملاحظاتی دارد فضای مجازی را بستر مناسبی برای کاهش این محدودیت‌ها می‌بیند. از طرف دیگر کمبود امکانات و مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی مناسب زنان باعث گرایش بیشتر آنان به فضای مجازی برای بیان احساسات و سرگرمی است (میرفردی و ولی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۸).

در خانواده‌ها افراد با دورهم نشستن‌های خانوادگی به شکل نمادین احساس «بودن» می‌کنند، احساسی از حضور جمع و عضوی از جمع بودن که برای انسان بسیار خوشایند است. از نظر هایدگر خانه یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های یکپارچه‌سازی اندیشه‌ها، خاطره‌ها و رؤیاهای نوع بشر است. حضور افراد در فضای مجازی منجر به کاهش ارتباطات کلامی اعضای و منفعل شدن افراد در ارتباط با یکدیگر در دنیای واقعی است (عطایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸). نتایج تحقیقات صورت گرفته روی تغییرات فضای مسکن از دهه ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که بین ذهنیت عامه مردم نسبت به زنان و تغییرات در معماری داخلی خانه ارتباط معناداری وجود دارد و با گذر زمان و آگاهی بیشتر زنان نسبت به جامعه، اعتماد به نفس زنان بیشتر شده و خود را مستعد جایگاه اجتماعی بالاتر می‌بینند و ساختار قدرت در خانواده تغییر کرده است. تأثیر این تغییر در سازمان‌دهی فضایی مسکن نظیر توجه بیشتر به فضاهای زنانه و تغییر در فضاهای خصوصی و عمومی و حضور بیشتر زن در موقع حضور میهمان و سایر مراسمات پدیدار می‌شود (بیتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۶۴).

۶. مذهب، زنان و تخیل سیاسی

در اواخر قرن نوزدهم لیبرال‌ها و جمهوری‌خواهان کلیسای کاتولیک را به عنوان نفی کامل جهان‌بینی خود مطرح کردند. در این راستا مجموعه‌ای از کلیشه‌های ضد روحانی پدیدار گشت: طنزهای مجلات لیبرال مملو از کاریکاتورهای تحقیرکننده کشیشان یا به چالش کشیدن میل جنسی راهبه‌ها شد که نشان‌دهنده تعصب لیبرال‌ها نسبت به خانواده هسته‌ای بود. برخلاف تصویر راهبه فاسد یا کشیش ساده‌لوح لیبرال‌ها مجموعه‌ای از انواع ایده‌آل مانند صنعت‌گر، کارآفرین، دانشمند و کارمند دولتی در اذهان ساختند (Katznelson & Jones, 2010, p. 200).

زندگی‌نامه‌ها از جمله ابزارهایی هستند که تخیلات سیاسی - اجتماعی جامعه در یک مکان یا زمان خاص را به تصویر کشیده و بازگو می‌نمایند. بررسی زندگی‌نامه‌های زنان انگلیسی در دهه ۱۹۶۰ در ارتباط با انقلاب جنسی انگلستان، نمونه‌ای از سه گانه به هم پیوسته مذهب، تخیل سیاسی و زنان است. به سختی می‌توان زندگی‌نامه‌ای بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۳۰ یافت که در آن نویسنده از نقش دین در شکل‌گیری شخصیت و «خود» و ساختار اخلاقی افراد صحبت نکرده باشد. در حالی که زندگی‌نامه‌های نوشته‌شده در دهه ۱۹۶۰ تقریباً داستان‌هایی هستند که در آن‌ها مذهب مرسوم مسیحی به حاشیه رانده شده، نادیده گرفته می‌شود یا در ابتدا به عنوان نقطه آغازی ظاهر می‌شود که در کودکی و نوجوانی بر فرد مسلط شده و او را تحت ستم قرار داده است. در این دوران بود که احساس گناه به دلیل روابط جنسی خارج از ازدواج رسمی ناشی از دنیای ذهنی شکل گرفته در دهه قبل دانسته شد که راه‌حل آن نیز تغییر نگرش نسبت به «خود» است نه پایبندی به عقاید دینی. این انقلاب زنانه جنسی در سکولاریزاسیون بریتانیا نقش اساسی داشت. اکثر جامعه‌شناسان و مورخان سکولاریزاسیون را در قالب‌های پدرسالارانه و تغییر در جهانی مردانه مانند از دست دادن اقتدار کلیسا، فروش زمین کلیسا، کاهش مالیات‌های مذهبی و انحلال کلیساهای دولتی یا تأسیس بیان می‌کنند؛ اما لازمه انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰، تغییر نگرش زنان نسبت به دین و به حاشیه بردن هنجارهای دینی در تعریف زن و روابط آن بود. در واقع انقلاب جنسی یکی از عوامل تشدید سکولاریزاسیون بود و داده‌های آماری نیز این گزاره را تأیید می‌نماید (Brown, 2010).

مقایسه ادبیات به کاررفته در رمان و زندگی‌نامه‌های با موضوع زنان در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که تحولات ذهنیت زن ایرانی نیز مانند دنیای غرب در عصر معاصر متأثر از مدرنیته بوده است. در ادبیات ابتدای قرن چهاردهم شمسی زنان هرچند برای به دست آوردن آزادی تلاش می‌کنند، اما نسبت به تغییرات فکری به وجود آمده مقاومت می‌کنند، با یک تفکر تقدیرگرا امکان تغییر را غیرممکن یا سخت می‌دانند و در رفتارهای لذت‌گرایانه خود ابراز ندامت و شرمندگی می‌کنند. بعد از پنجاه سال تغییرات زیادی در ذهنیت زنان ایرانی رمان‌های نگاشته شده به وجود می‌آید. حضور اجتماعی، استقلال مالی و تحصیلات زنان امری پذیرفته‌شده است و ترس‌های مرسوم بین زنان سنتی مانند بی‌آبرویی، طرد شدن، نداشتن حامی و سرپناه و ... دیگر وجود ندارد. پدیده فحشا دیگر زشتی و قباح سابق را بین زنان (شخصیت‌های اصلی داستان‌ها) ندارد و مهم لذت‌گرایی و خواسته جسمانی است. درواقع، فردگرایی افراطی ناشی رواج تفکر مدرن، به‌ویژه بین اقشار مرفه، روشنفکر و هنرمند، منجر به کم‌رنگ شدن نظام‌های اخلاقی و ارزشی در بین زنان مدرن شده است و با بی‌اهمیت جلوه دادن نهاد خانواده در ستیز با سنت بی‌پروا تر عمل کنند (میرزائیان و همکاران، ۱۴۰۱، صص. ۲۸۸-۲۸۹).

نابرابری جنسیتی که جنبش‌های فمینیستی بر آن تأکید دارند، دارای چهار مضمون است. زنان در مقایسه با مردان جامعه نه تنها دارای وضعیتی متفاوت بلکه در وضعیتی نابرابر قرار دارند؛ در هر موقعیت اجتماعی برحسب طبقه، نژاد، شغل، قومیت، مذهب، تحصیلات، ملیت یا هر ترکیبی از این عوامل نیز زنان از پایگاه اجتماعی پایین‌تر برخوردارند. این نابرابری حاصل تفاوت‌های بیولوژیک یا شخصیتی مهم زن و مرد نیست و حاصل سازمان جامعه است. زیرا باوجود تفاوت‌ها در توانمندی استعدادها هیچ الگوی مهم تغییر طبیعی برای تمایز جنس‌ها وجود ندارد (معینان، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۷). منتقدان جمهوری اسلامی معتقدند که نوع سیاستگذاری‌های عمومی برآمده از فضای ایدئولوژیک پساانقلابی، زن را به مثابه «دیگری» تعریف نموده که به واسطه جنسیت خود از ورود به بسیاری از فضاهای عمومی منع شده است. فرایند شرعی‌سازی حقوق زن نیز معطوف به پوشش و کنترل بدن زن و تحمیل مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدها بوده که زن صرفاً به دلیل جنسیت خود ناچار به پذیرش

آنها شده و در گفتمان نابرابر شکل گرفته به صورت ذهنی خود را قربانی و مورد تبعیض می‌پندارند (مهدی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۴۲).

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی ارتباط تخیل سیاسی و هویت زن ایرانی در دنیای معاصر بود. در این راستا واقعیت‌های عینی مسئله حقوق زنان، جایگاه اجتماعی آنان و مسئله حجاب با ساختمان ذهنی کنشگران این عرصه مقایسه و مورد تحلیل قرار گرفت. برای فهم این ارتباط از روش تحلیل گفتمان و داک در مطالعه متون منتخب مرتبط با ذهنیت عامه نسبت به زنان و تحولات جهان عینی بهره برده‌ایم. تمام کارگزاران که در مثال‌ها به آنها اشاره شده تصویر خودشان از زنان در جهان عینی را بر اساس ادراک خود از جهان می‌سازند و این سازه‌ها دارای محدودیت‌های ساختاری معینی هستند. با بهره‌گیری از نظریه بوردیو نظام جنسیتی و حقوق زنان یک میدان اجتماعی تلقی شده است که مواضع و عادت‌واره‌هایی که هر کدام از کارگزاران اجتماعی در این میدان دارند سبب می‌شود جهان اجتماعی نیز همچون حقیقتی قابل درک رخ بنماید. ارتباط تغییرات معنادار ذهنیت عامه نسبت به زن و سازمان فضایی مسکن یک نمونه آشکار از ارتباط دوسویه ساختارهای عینی جامعه و ساختارهای ذهنی کنشگران در حوزه زنان است. هویت زنانگی یکی از میدان‌هایی است که به هم پیوسته تشکیل‌دهنده جامعه است که محل رقابت کنشگران برای دستیابی به مجموعه‌ای از کالاها و سرمایه‌هاست. یکی از این سرمایه‌ها پرستیژ و افتخار اجتماعی است. در این مقاله دیدیم که چگونه نمادهای پرستیژ و افتخار زنانگی از قبیل حیا، شرم، عفت و خانواده در بستر تغییر ذهنیت‌ها و با تسهیل‌گرهایی مانند رسانه، رمان و زندگی‌نامه نویسی دچار دگرگونی می‌شود. بر اساس نظریه بوردیو سرمایه فرهنگی زنان و جوانان ایرانی دربرگیرنده تمایل‌های پایدار آنها است که با عضویت در شبکه‌های مجازی و تولید و مصرف محتوا در این محیط در فرد انباشت می‌شود؛ زیرا بهترین شاخص برای سنجش سرمایه فرهنگی مقدار زمان صرف شده برای آن است. این مصرف فرهنگی در فضای مجازی ابزاری برای تولید فرهنگی، مشروعیت‌سازی و مبارزه در میدان نظام جنسیت است. کم‌رنگ شدن نظام‌های اخلاقی و ارزشی در بین زنان دارای مصرف فرهنگی از منبع رسانه‌های غیرهمسو با ارزش‌های اسلامی،

بی‌اهمیت جلوه دادن نهاد خانواده و بی‌پروایی در ستیز با سنت پیامد و بر ساخت گسترش تأثیر رسانه‌های جدید بر اذهان زن ایرانی محسوب می‌شود.

از جمله مسائلی که از منظر تخیل سیاسی قابل مطالعه و تحلیل است ناآرامی‌های اجتماعی گسترده سال ۱۴۰۱ در ایران بود. زنان به‌عنوان بخش مهمی از جامعه که مرتبط با هویت دینی هستند و امکانات آموزشی گسترده داشته‌اند و چالش‌ها و مشکلات فراگیر انباشته شده دارند دارای اهمیت هستند. این باور که انسان جدید از بطن زن جدید ساخته می‌شود سبب شده است در دنیای امروز تلاش بسیاری صورت می‌گیرد تا برای ایجاد تغییر مطلوب در جامعه بر روی تعریف یک هویت و ذهنیت جدید برای زنان متمرکز شده تا به دنبال آن نیز جامعه جدید ساخته شود. زنان از کنشگران کلیدی و مطالبات زنان از محورهای اصلی اعتراضات نیمه دوم سال ۱۴۰۱ با شعار «زن زندگی آزادی» محسوب می‌شوند. در اندیشه بوردیو عادت‌واره نوعی تربیت غیرمستقیم است که باعث می‌شود فضایل یا رذایل پذیرفته شده در یک اجتماع به صورت یک مسلک و به سهولت از سوی کنشگران اجتماعی سر بزند. از طرفی سرمایه نمادین تسهیل کننده سخن گفتن در باب مشروعیت بخشی به روابط قدرت از طریق اشکال و نشانه‌های نمادین است که گروه‌های سلطه گر یا برتری جو از این راه اعتبار و اقتدار خود را تثبیت می‌کنند. درواقع این سرمایه بر پایه باور و اعتماد دیگران وجود عینی می‌یابد و دوام و استمرار آن وابسته به باور دیگران است. در اعتراضات موسوم به «زن، زندگی آزادی» انواع رفتارها و حرکت‌های نمادین از جمله موضوع حجاب، سوزاندن روسری، در این اعتراض‌ها به چشم می‌خورد. زنان و موی زنان به عنوان نماد زندگی و نماد حق انتخاب در کانون توجه و اعتراض‌ها بوده‌اند. موی سر به عنوان نماد چیزهای عادی غیرعادی شده در این جریان‌ها جایگاه پررنگی دارد. بر اساس مشاهدات میدانی و پژوهش‌های صورت گرفته، در این اعتراض‌ها رسانه‌ها دارای نقشی پررنگ بودند و بسیاری بر این باور بودند که رسانه نقش رهبری جنبش را بر عهده دارد. تلاش در راستای تعارض سازی میان نظام جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و هنجارهای آن با آزادی و دموکراسی، ایجاد شکاف و تردید در بین هواداران نظام، امیدوار ساختن معترضان به موفقیت اعتراضات و ایجاد اجماع جهانی بر علیه جمهوری اسلامی از جمله فعالیت رسانه‌ها در این برهه بود. رواقع رسانه‌ها قبل از شروع اعتراض‌ها در یک برنامه

طولانی مدت از طریق برجسته سازی، تکرار، پیام های تولید-کاربر ذهنیت ها را معطوف به مسئله هویت زن ایرانی و حجاب نمودند. در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز شاهد تلاش برای پیاده سازی این ساختمان ذهنی در دنیای واقعی و تبدیل آن به یک واقعیت عینی بودیم.

منابع

- ارشد ریاحی، علی و واسعی، صفیه (۱۳۸۸). عالم مثال از نظر ملاصدرا. فصلنامه اندیشه دینی، ۹ (۳۰)، ۷۵-۱۰۲. <https://doi.org/10.22099/jrt.2013.1258>
- اکبریان، رضا (۱۳۸۸). قوه خیال و عالم صور خیالی. آموزه های فلسفی-کلامی، ۵ (۸)، ۳-۳۲. https://ipd.razavi.ac.ir/article_1015.html
- بستانی، احمد (۱۳۸۹). حاکم آرمانی و عالم خیال در حکمت سیاسی اشراقی. جاویدان خرد، ۷ (۱۶)، ۳-۵. [dor: 20.1001.1.22518932.1389.07.16.1.3](https://doi.org/10.22518932.1389.07.16.1.3)
- بخارایی، احمد و توکلی، عاطفه (۱۳۹۵). الگوهای تخیل اجتماعی در رادیو و رسانه های تولید-کاربر مجازی، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، ۲۳ (۸۶)، ۱۰۵-۱۲۴. <https://doi.org/10.22082/cr.2016.21015>
- بیتی، حامد، آریان، جاوید و آقازاده، داود (۱۴۰۲). بازتاب تغییر ذهنیت عامه نسبت به زن در سازمان فضایی مسکن معاصر، پژوهش نامه زنان، ۱۴ (۴۴)، ۱۹-۶۸. <https://doi.org/10.30465/ws.2023.43630.3739>
- بیچرانلو، عبدالله، صلواتیان، سیاوش و لاجوردی، آریتا (۱۳۹۸). بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در اینستاگرام. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۵ (۵۶)، ۱۱۲-۱۴۰. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2019.37357>
- حیدری، محمدمهدی (۱۳۸۸). نقش رادیو در پرورش تخیل. رادیو، ۴۷، ۴۵-۵۰. <https://ensani.ir/fa/article/79326>
- سعادت خمسه، اسماعیل (۱۳۹۰). شأن معرفتی قوه خیال در نقد اول کانت: ارزیابی از منظر صدراپی. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، ۱۱ (۳)، ۷۲-۵۰. <https://ensani.ir/fa/article/299474>

- صادقی، الهه (۱۴۰۰). سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان (۱۳۹۲-۱۳۷۰). دولت پژوهی، ۷ (۲۷)، ۸۹-۶۱.

<https://doi.org/10.22054/tssq.2021.43143.710>

- عطایی، پری (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر ارتباطات افراد در خانواده‌ها (مورد مطالعه: شهر اصفهان). دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، استانبول، ترکیه.

- فتح‌الهی، محمدعلی (۱۳۹۹). تخیل سیاسی در زیست جهان ایرانی/اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- قادری، حاتم و بستانی، احمد (۱۳۸۶). مقام تخیل در فلسفه سیاسی ایرانی-اسلامی: مورد فارابی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳ (۱)، ۹۱-۱۱۷. https://www.ipsajournal.ir/article_40.html

- مبارکی، احسان و شرفی، محمد (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین استفاده از ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی و نگرش به دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های شهر اراک)، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۵ (۱۸)،

۱۳۱-۱۶۶. https://journals.atu.ac.ir/article_10206.html?lang=en

- مرتضوی، سید خدایار و پاکزاد، شهیندخت (۱۳۹۶). تبیین نگرش زنان نسبت به اقتدارگرایی مردانه با استفاده از مدل پیر بوردیو (مطالعه موردی: طایفه دهبالایی شهر ایلام)، پژوهش‌نامه

زنان، ۸ (۲۱)، ۱۱۷-۱۴۶. https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_2731.html

- معینیان، نرمینه (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به نقش تصورات قالبی جنسیتی در تبعیض شغلی علیه زنان و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری این تصورات قالبی در فرهنگ ایران. زنان و مطالعات خانواده، ۱۰ (۳۷)، ۱۶۳-۱۷۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1360159>

- مهدی‌پور، ملیحه، داودی، علی‌اصغر و راهبر، اهورا (۱۴۰۰). سویه‌های جنسیتی منازعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۶ (۲۴)، ۲۴-۲۴،

۴۲-۶۵. <https://doi.org/10.22067/pg.2021.68963.1021>

- مقدم، غلامعلی (۱۴۰۰). قوه خیال و تضعیف کارکرد آن در انعکاس معانی باطنی و گذار به ملکوت در عصر جدید. انسان‌پژوهی دینی، ۱۸ (۴۵)، ۹۷-۱۱۴.

<https://doi.org10.22034/ra.2021.521838.2604>

- مؤید حکمت، ناهید (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی: درآمدی بر رویکردی نظری و روش شناختی پیر بوردیو درباره سرمایه فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نسخه الکترونیکی.

- میرزائیان، پیروش، صفری، جهانگیر و باقری، نرگس (۱۴۰۱). بررسی سیر تحول ذهنیت زن ایرانی در مواجهه با مدرنیته با تکیه بر رمان‌های «روزگار سیاه»، «زیبا» و «شب یک شب دو».

پژوهش‌نامه زنان، ۱۳ (۴۱)، ۲۵۵-۲۹۰. <https://doi.org10.30465/ws.2021.28165.2837>

- میرفردی، اصغر و ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۶). تحلیل تفاوت زنان و مردان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، مجله جهانی رسانه-نسخه فارسی، ۱۲ (۲)، پیاپی ۲۴، ۱۱۲-۱۳۲.

https://gmj.ut.ac.ir/article_67002.html

- نجف‌پور آقابیکلو، عزیز، پارسانیا، حمید و اسلامی‌تنها، علی‌اصغر (۱۴۰۰). مدینه فاضله مجازی چارچوب نظری حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران، دین و ارتباطات، ۲۸، شماره پیاپی ۵۹، ۳۰۵-۳۳۰.

<https://doi.org10.30497/rc.2021.75821>

- نقیب‌زاده، احمد و استوار، مجید (۱۳۹۱). بوردیو و قدرت نمادین، فصلنامه سیاست، ۴۲ (۲)، ۲۷۹-۲۹۴.

<https://doi.org10.22059/jpq.2012.29980>

- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۹۵). تأملی بر نسبت فمینیسم با انقلاب اسلامی ایران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۰ (۱)، ۱۶۳-۱۸۳.

[doi:20.1001.1.20083653.1395.10.1.6.6](https://doi.org10.22059/jpq.2012.29980)

-Bugliani, A. & Barritt, R. (2011). From soul to mind: psychology and political imagination. *The politics of imagination*, (pp. 73- 85), Birkbeck Law Press.

<https://doi.org10.4324/9780203816097>

-Bourdieu, P. (1993). *Sociology in Question* (Vol. 18) Sage.

-Brown, C. (2010). Gendering secularisation: locating women in the transformation of British Christianity in the 1960s, *Religion and the Political Imagination* (pp. 275- 294). Cambridge University Press.

- Duncombe, S. & Harrebye, S. (2023). *Political imagination*. In *The Palgrave*

Encyclopedia of the Possible (pp. 1021- 1030). Cham: Springer International Publishing.

- Ferrara, A. (2011). Politics at its best: reasons that move the imagination. In *The politics of imagination* (pp. 38- 54). Birkbeck Law Press.

- Hawlina, H. Pedersen, O. C. & Zittoun, T. (2020). Imagination and social movements. *Current Opinion in Psychology*, 35, 3135-. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2020.02.009>

- Katznelson, I. & Jones, G. S. (Eds). (2010). Religion and the political

